

زنگ‌ها برای مابه‌صدادر می‌آیند



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

کشف قتل الهه حسین‌نژاد با دو ابزار مهم رسانه و درایت پلیس آگاهی تهران به سرانجام رسید، در غیر این صورت اگر پرونده صرفاً در پلیس‌اسلامشهر مطرح و رسیدگی می‌شد، بعید بود به این زودی‌ها به سرانجام برسد. وقوع این حادثه بار دیگر نشان داد امنیت مفهومی به شدت آسیب‌پذیر است و اگر ابزارهای تأمین آن متناسب با

وضعیت جامعه ارتقا پیدا نکند، دامنه‌ها نامنی از وضعیت موجود گسترده‌تر می‌شود. چهارم خردادماه وقتی خانواده‌الهم گم شدن او را به پلیس اسلامشهر خبر دادند، تحقیقات برای یافتن وی به جریان افتاد. دختر ۲۴ساله از محل کارش به آرایشگاهی در تهران بود، خارج و در میدان آزادی سوار یک خودروی مسافربر شخصی شده بود تا به سمت خانه‌شان در اسلامشهر برود. او در مسیر تلفنی با خواهرش هم حرف زده بود، اما وقتی گوشی تلفن همراهش خاموش می‌شود و الیه و به خانه نمی‌رسد، خانواده به ماجرا مظنون می‌شوند و به پلیس خبر می‌دهند.

میدان آزادی تهران یکی از مهم‌ترین کانون‌های خطر پایتخت است و شمار بسیاری از پرونده‌های سرقت، قتل و تجاوز به نواמים مردم در این محل شکل گرفته‌است. مجرمان سوزمه‌های خود را بین شمشادهای پایانه غرب یا بین افرادی که قصد دارند از جاده مخصوص یا بزرگراه آیت‌الله سعیدی به مقصد برسند، انتخاب می‌کنند. این دو مسیر به محیط‌های باز بین شهری منتهی می‌شود و امکان کمک‌خواهی یا دسترسی به پلیس یا ممکن نیست یا بسیار دشوار است، برای همین امکان بروز عمل مجرمانه خصوصاً در تاریکی شب فراهم می‌شود. عمده‌ترین دلیل بروز جرائم به این شیوه، بی‌امون مسافربری شخصی و بی‌روسامانی حمل و نقل عمومی است. در این پرونده، بخت با پلیس یار بود که متهم از خودروی سرقتی برای مسافربری استفاده نکرده‌بود، وگرنه بازداشت مجرمی که با خودروی سرقتی دست به عمل مجرمانه می‌زند، پلیس را با چالش‌های زیادی مواجه می‌کند و به دنبال آن چالش‌های اجتماعی بسیاری هم ایجاد می‌شود. پلیس به آمار جرائمی که در پوشش مسافربری شخصی رقم می‌خورد، دسترسی دارد و یقیناً تأیید می‌کند از زمان ورود تاکسی‌های اینترنتی به چرخه حمل‌ونقل، میزان این دسته از جرائم به صورت محسوسی کاهش پیدا کرده‌است. بااین حال، بالا بودن میزان سفر، خصوصاًسفرهای بین‌شهرهای اطراف پایتخت، امکان بروز جرائم را افزایش می‌هد.

آن گونه که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، متهم در تاکسی اینترنتی هم فعال بوده، اما جرئت این را نداشته هنگامی که مسافر جابه‌جا می‌کند، برایش ایجاد مزاحمت کند، چرا که می‌دانست پلیس به راحتی به وی دسترسی پیدا می‌کند. پلیس گزارش داده، متهم از مجرمان سابقه‌دار است، بنابراین امکان فعالیت مجرمان سابقه‌دار در تاکسی‌های اینترنتی یا خدمات اجتماعی خطری است که جامعه را تهدید می‌کند، از همین‌رو در وضعیت کنونی که امکان دسترسی برخط به اطلاعات آماری شهروندان فراهم شده‌است، امکان فعالیت شهروندان در تاکسی‌های اینترنتی هم باید با د نظر گرفتن سوابق کیفری متقاضیان امکان‌پذیر باشد. یقیناً فعالیت مجرمان در تاکسی‌های اینترنتی اگر به‌قتل مسافر منجر نشود، به‌اعمال مجرمانه دیگری منجر خواهد شد.

قتل مرد میانسال با ضربه چاقوی دختر نوجوان

درگیری دوختران نوجوان در اینستاگرام با قتل پدر یکی از آنها به دست یکی از هسان دختران به پایان رسید.

شامگاه چهارشنبه گذشته، قاضی موسی رضانادره، باز پرس جنایی تهران از قتل مردی ۴۵ساله در محله نازی‌آباد تهران با خبر و در محل حاضر شد. بررسی‌ها نشان داد مرد میانسال از ناحیه کمر و پا همدف ضربات چاقو قرار گرفته و جانش را از دست داده‌است. دختر مقتول در شرح حادثه گفت: من و خواهرم در اینستاگرام فعال بودیم و آنجا با چهار دختر دیگر آشنا شدیم. مدتی که گذشت با هم اختلاف پیدا کردیم و کارمان به مشاجره و کل‌کل اینستاگرامی کشیده شد تا اینکه ساعتی قبل آن چهار دختر مقابل خانه‌مان آمدند و داد و بیداد کردند. من و خواهرم مقابل ساختمان رفتم که آنها به ما حمله کردند. همان لحظه پدرم از راه رسید تا از ما دفاع کند که یکی از دختران با چاقو به او ضربه زد و زمانی که پدرم روی زمین افتاد، فرار کردند. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، کارآگاهان پلیس با اطلاعاتی که دو خواهر در اختیارشان گذاشتند، موفق شدند چهار متهم را شناسایی و دستگیر کنند. دختری که مرتکب قتل شده‌بود، در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد. تحقیقات بیشتر از آنها ادامه دارد.

قتل مرد میانجی با چاقوی پسر مست

مردی که قصد میانجیگری بین دختر و پسری در محله عبدال‌آباد تهران را داشت

با ضربه چاقوی پسر مست جان باخت.

به گزارش «جوان» باهداد جمعه، ۱۶ خردادماه به قاضی محمدجواد شفیعی، باز پرس جنایی تهران خبر رسید حادثه‌ای خونین در محله عبدال‌آباد اتفاق افتاده است که لحظاتی بعد در محل حاضر شد. جسد متعلق به مرد جوانی بود که با ضربه چاقو به گردنش فوت شده بود. یکی از شاهدان گفت: مقتول دوستم بود. ما کنار یک جگرکی سیار ایستاده بودیم که دختری به ما نزدیک شد و گفت به دعوائی او با پسری که در آن نزدیکی است، پاان بادد. دوستم قبول کرد و برای میانجیگری وارد شد که با ضربه چاقوی آن پسر به قتل رسید و متهم نیز از محل فرار کرد. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌ها در این باره ادامه پیدا کرد تا اینکه متهم ساعتی بعد خودش را تسلیم پلیس کرد. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت در حالت مستی حادثه خونین را رقم زده‌است.

کُزارش غلامرضا مسکنی

قاتل الهه امروز به صحنه جنایت باز می‌گردد

یهمین فرزان‌ه، قاتل شیطان صفت که الهه حسین‌نژاد را برای سرقت گوشی تلفن همراهش به قتل رسانده است، امروز صحنه جنایتی را که چهارم خرداد ماه رقیم‌زده بازسازی می‌کند. انتشار خبر قتل دختر ۲۴ساله واکنش‌های بسیاری را در فضای حقیقی و مجازی به دنبال داشته و نگرانی‌ها درباره کاهش امنیت حمل‌ونقل سواری‌های شخصی را شدت بخشیده است.

شامگاه یک‌شنبه چهارم خردادماه، اعضای خانواده‌ای سراسیمه به اداره پلیس شهرستان اسلامشهر رفتند و از گم شدن ناگهانی دختر ۲۴ساله‌شان به نام الهه شکایت کردند.

یکی از اعضای خانواده دختر گمشده به مأموران گفت: «الهه ناخن کار است و همراه خواهرش در یک سالن زیبایی در سعادت‌آباد تهران کار می‌کند. امشب او یک ساعت زودتر از محل کارش خارج شد تا به خانه بیاید و از برادر معلولش نگهداری کند، چون مادرش نوبت دکتر داشت، اما الان چند ساعتی می‌شود که از او بی‌خبریم.»

وی ادامه داد: «الهه تلفنی به مادرش گفته بود از میدان آزادی سوار خودروی سواری شده



و دوباره تماس گرفته بود که در میدان نماز است و به زودی به خانه می‌رسد، اما از آن دقیقه به بعد تلفن همراهش را جواب نداد و بعد هم تلفنش خاموش شد.»

■ **درخواست کمک از مردم**

با اعلام خبر گم شدن ناگهانی دختر جوان، مأموران پلیس شهرستان اسلامشهر تحقیقات خود را برای پیدا کردن ردی از الهه گمشده آغاز کردند. بررسی‌ها و گفته‌های خانواده دختر گمشده حکایت از آن داشت، الهه عصر روز حادثه وقتی از محل کارش بیرون می‌آید در میدان آزادی برای رفتن به اسلامشهر سوار یک خودروی مسافرکش می‌شود. وی در مسیر چندین بار با اعضای خانواده‌اش تماس می‌گیرد و در آخرین تماس به مادرش می‌گوید «به میدان نماز اسلامشهر رسیدم و تا یک ربع دیگر به خانه می‌روم» و پس از آن تماس به طرز مرموزی ناپدید می‌شود. مأموران در بررسی‌های فنی هیچ ردی از الهه و خودرویی که سوار آن شده بود، به دست نیابردند. حدود شش روز از گم شدن دختر جوان گذشته و پلیس شهرستان اسلامشهر هم به نتیجه‌ای نرسیده بود، اما خانواده الهه همچنان نگران سرنوشت دخترشان بودند که عکس و فیلم‌های او را در فضای مجازی منتشر و از مردم برای پیدا کردن دخترشان درخواست کمک کردند.

■ **اظهارات عمومی الهه**

علی حسین‌نژاد، عموی الهه که در فضای مجازی از مردم در خواست کمک کرده بود، گفت: «دختر برادرم لایسنس اسبابداری دارد و در سالن زیبایی همراه خواهر بزرگ‌ترش کار می‌کند. او هر روز با خواهرش که ماشین دارد رفت و آمد می‌کرد، اما روز حادثه برای اینکه زودتر به خانه برسد و از برادر معلولش نگهداری کند، یک ساعت زودتر از محل کارش بیرون می‌آید و ناپدید می‌شود. ما خودرویی که او را تا میدان آزادی برده بود، پیدا کردیم، اما پس از آن متوجه تشدید الهه سوار چه خودرویی شده است. پرونده در دادرسی شهری در حال بررسی است، اما ما در خواست داریم پلیس آگاهی تهران برای پیدا کردن الهه به ما کمک کند.»

■ **تیم ویژه پلیس آگاهی تهران**

با در خواست خانواده الهه از مردم، به سرعت عکس‌ها و فیلم‌های دختر گمشده در فضای مجازی دست به دست شد و موجی از نگرانی و اباز همدردی را در پی داشت. خبر تلخ این حادثه واکنش‌های گسترده‌ای را به‌دنبال داشت و از آنجایی که احتمال می‌رفت الهه در محدوده تهران ناپدید شده باشد، تیم ویژه‌ای از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی تهران برای پیدا کردن دختر جوان وارد عمل شدند. بدین ترتیب تحقیقات گسترده پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس جنایی زیر نظر سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت آغاز شد. مأموران با تلاش شبانه‌روزی و طاقت‌فرسا در بررسی‌های علمی و تخصصی موفق شدند خودرویی را که الهه روز حادثه از میدان آزادی برای رفتن به اسلامشهر سوار آن شده بود، شناسایی کنند. خودروی شناسایی شده سمند نقره‌ای با پلاک یکی از شهرستان‌ها بود که بررسی‌ها نشان داد پس از وقوع این حادثه دیگر ترددی در داخل شهر نداشته است. مأموران حادثه‌اان دادنامه ارائه‌شده خودرو، دختر گمشده را به دلایلی ربنده و پس از آن خودرویش را در پارکینگی پارک کرده تا ردی از خود به‌جا نگذارد.

■ **پایان تلخ تراژدی الهه**

مأموران پلیس در ادامه بررسی‌های خود صاحب خودرو و اشناسایی و بلافاصله او را بازداشت کردند، اما مشخص شد روز حادثه خودروی سمند در اختیار برادرش به نام بهمن فرزان‌ه بوده است. متهم در بازجویی‌ها اعلام کرد اکثر روزها خودرویش را برای مسافر کشی در اختیار برادرش بهمن قرار می‌دهد. بدین ترتیب مأموران به محل زندگی بهمن در اسلامشهر رفتند، اما در یافتند وی پس از حادثه محل زندگی‌اش را ترک کرده و به مکان نامعلومی گریخته است. مأموران پلیس پس از کشف خودروی سمند در پارکینگی در شرق تهران، مخفیگاه

حوادث

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

نمی‌شد شاید ماه‌ها طول می‌کشید تا جسد الهه پیدا شود.»

■ **سوگواری در پلاک ۱۵۸**

پلاک ۱۵۸ در کوچه یازدهم شهرک قلمیه اسلامشهر تا ۱۳ روز قبل محل زندگی الهه بوده که همراه مادر، پدر، خواهر و برادر کوچک‌ترش زندگی می‌کرد، اما حالا محل سوگواری اوست که بستگان، همسایه و دوستان برای تسلیت و ابراز همدردی به آنجا مراجعه می‌کنند. صبح روز جمعه ۱۶ خردادماه وسط کوچه در نزدیکی خانه سه طبقه‌ای که طبقه اول آن محل زندگی خانواده الهه است، چند کارگر در حال نصب داربستی هستند تا پتרהای عزاداری را روی آن نصب کنند. چند مرد سیاهپوش جلوی در پارکینگ ورودی ساختمان دست به سینه ایستاده‌اند و به افرادی که برای تسلیت وارد خانه می‌شوند، خوشامد می‌گویند. عمومی مقتول هم در میان این افراد است، اما حاضر نیست گفت‌وگویی انجام دهد و می‌گوید خانواده الهه هم حال و حوصله گفت‌وگو ندارند. او می‌گوید هنوز پلیس روز تحویل جسد را به ما اعلام نکرده، به همین دلیل دقیق نمی‌دانیم مراسم کفن و دفن چه زمانی است. خانه پدری الهه تا ابتدای خیابان حدود هزار متری فاصله دارد و به نظر می‌رسد مقتول شب حادثه قصد داشته در ابتدای خیابان از خودروی مرد مسافر کش نما پیاده شود که به طرز دلخراشی به قتل می‌رسد.

■ **بازداشت قاتل در قهوه‌خانه**

قاتل مرد ۲۷ساله‌ای به نام بهمن است که چند سابقه درگیری در پرونده‌اش ثبت شده و حتی به زندان هم رفته است. وی پس از قتل، زندگی عادی‌اش را ادامه می‌دهد، اما وقتی در فضای مجازی با عکس و فیلم‌های الهه روبرو می‌شود در قهوه‌خانه‌ای مخفی می‌شود.

بهمن سابقه داری؟

چند سابقه درگیری و زد و خورد دارد.

شب حادثه مقتول را از کجا به عنوان مسافر سوار کردی؟

من با خودروی برادرم مسافر کشی می‌کنم. البته به صورت نوبتی مسافر کشی می‌کنیم. مثلاً چند روز خودرو در اختیار من و چند روز هم در اختیار برادرم. شب حادثه در میدان آزادی منتظر مسافر بودم که دختر جوانی به مقصد اسلامشهر سوار خودرویم شد. حدود ۱۵ دقیقه‌ای منتظر ماندم تا مسافر سوار کنم، اما مسافری نیامد و دختر جوان به من گفت که عجله دارد و خودرو را به صورت درستی تا اسلامشهر برآیه کرد و من هم به طرف مقصد به راه افتادم.

چه شد که تصمیم گرفت‌ی او را به قتل برسانی؟

وقتی او را به صورت درستی سوار کردم در میانه راه وسوسه شیطانی به سراغم آمد، اما در نزدیکی خانه‌شان با دیدن تلفن همراهش تصمیم گرفتم تلفن همراهش را سرقت کنم. او در مقابلم مقاومت کرد و تلفن همراهش را به من نمی‌داد که با چاقو چند ضربه به قفسه سینه‌اش زدم. البته وقتی با او درگیر شدم به من گفت خلافت‌کار که عصبانی شدم و چاقویی را از جیبم بیرون آوردم و به او ضربه زدم.

چطور در پایان مسیر متوجه شدی تلفن همراهش گرافیتیم است؟

وقتی سوار شد یکی، دو بار در مسیر تلفنی با خانواده‌اش صحبت کرد، اما تلفن معمولی در دست داشت تا اینکه به اسلامشهر رسیدیم و در میدان نماز به من گفت خیلی عجله دارد و پول بیشتر می‌دهد تا او را به نزدیکی خانه‌شان برسانم و من هم قبول کردم. مقتول تلفن همراهش را از کیش بیرون آورد تا از طریق موبایل بانک کرایه‌اش را پرداخت کند که ناگهان چشمم به تلفن همراه آیفونش افتاد. آنجا بود که فهمیدم دو دستگاه تلفن همراه دارد. همان لحظه تصمیم گرفتم تلفن همراه گرافیتیمش را سرقت کنم.

چرا جسد را به بیابان‌های اطراف فرودگاه بردی؟

احتمال می‌دادم که کسی آنجا رفت و آمد نمی‌کند و جسد را پیدا نمی‌کنند، از طرفی هم به بیابان‌های آنجا نزدیک بودم.

پس از اینکه جسد را رها کردی، کجارتی؟

به محل زندگی‌ام برگشتم. البته خیلی ترسیده بودم، اما سعی می‌کردم روال زندگی عادی‌ام را ادامه بدهم تا کسی به من مشکوک نشود. مثلاً پیش دوستانم می‌رفتم، به قهوه‌خانه می‌رفتم و قلیان می‌کشیدم یا کارهای روزمره‌ام را انجام می‌دادم.

کی متوجه شدی پلیس دنبال‌ت است؟

پس از آنجا که خانواده‌اش عکس و فیلم‌های الهه را در فضای مجازی منتشر و از مردم در خواست کمک کردند، ترس بیشتر شد و فهمیدم که پلیس دنبال من است.

بعد چه کار کردی؟

از خانه‌ام در اسلامشهر فرار کردم و مخفی شد.

کجا مخفی شدی؟

قهوه‌خانه‌ای در حوالی بزرگراه نواب است که متعلق به یکی از بستگان دورم است. بالای قهوه‌خانه اتاقکی مثل انباری دارد که خرت و پرت‌های قهوه‌خانه را آنجا تپار کردند. در این چند روز آنجا مخفی شده بودم، یعنی شب‌ها آنجا می‌خوابیدم، به صاحب قهوه‌خانه گفته بودم که صاحبخانه جوامم کرده و تا زمانی که خانه اجاره کنم در آنجا بمانم و در این مدت هم در آنجا مخفی شده بودم.

تنها زندگی می‌کردی؟

بله تا قبل از اینکه همسر از من جدا شود با همسرم بودم و وقتی او جدا شد، تنها زندگی می‌کردم.

کی جدا شد و دلیلش چه بود؟

با هم اختلاف داشتیم، او حدود شش ماه قبل جدا شد و رفت.

خودروی سمند را چکار کردی؟

خودرو را به برادرم تحویل دادم و او هم به خانه یکی از دوستانش در یکی از خیابان‌های شرقی برد و در آنجا پارک کرد.



خیابان محل زندگی الهه

بهمن را در حوالی بزرگراه نواب شناسایی و وی را عصر چهارشنبه ۱۴ خردادماه و پس از گذشت ۱۰ روز از حادثه دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی ابتدا جرم خود را انکار کرد، اما مأموران پلیس در بازجویی‌های فنی و استفاده از شیوه و شگردهای خاص رار قتل الهه را بر ملا کردند. بهمن اعتراف کرد شب حادثه الهه را که به عنوان مسافر سوار کرده، به‌خاطر سرعت تلفن همراهش به قتل رسانده و جسد او را در بیابان‌های اطراف فرودگاه امام رها کرده است. بدین ترتیب مأموران همراه متهم به محل رها شده جسد رفتند و جسد را کشف و به پزشکی قانونی منتقل کردند.

■ **ناله‌های سوز و گداز**

صبح روز پنجشنبه ۱۵ خردادماه خبر قتل الهه و دستگیری قاتل آن از سوی پلیس آگاهی تهران اطلاع‌رسانی شد. قاتل که به همراه برادرش به پلیس آگاهی منتقل شده بود و خانواده الهه هم که تا ساعتی قبل هنوز امیدشان را برای رد آغوش گرفتن دخترشان از دست نداده بودند، با شنیدن این خبر به پلیس آگاهی آمده بودند. تعدادی از دوستان و همکاران الهه هم پشت در پلیس آگاهی بودند. ناله‌های سوز و گداز اعضای خانواده دختر به قتل رسیده به گوش می‌رسید. دوستان و بستگانش هم اشک‌هایشان جاری بود و از سرنوشت تلخ الهه که مرد مسافرکش‌نمایی برای او رقم زده بود، در شوک بودند. داستان زندگی دختر جوان با مرگ او پایان یافته بود و در نهایت اعضای خانواده الهه و دوستانش با دلی بر غم و اندوه آنجا را ترک کردند.

■ **۴۸ ساعت تلاش شبانه‌روزی**

قاضی کشکی‌نژاد، باز پرس دادرسی امور جنایی پایتخت به «جوان» گفت: «اعضای خانواده دختر جوان ابتدا در دادرسی اسلامشهر اعلام مفقودی کرده بودند که پس از آن پرونده به دادرسی شفافقو به رایج شد. از آنجایی که تحقیقات نشان می‌داد وی آخرین بار در میدان آزادی سوار خودرو شده و این احتمال می‌رفت که حادثه در محدوده تهران رخ داده باشد، پرونده برای رسیدگی به دادرسی امور جنایی تهران ارسال و دستور رسیدگی فوری برای پیدا کردن ردی از دختر گمشده صادر شد. پس از آن مأموران با تلاش شبانه‌روزی و در مدت ۴۸ ساعت موفق به شناسایی قاتل و دستگیری او شدند.»

■ **بازسازی صحنه قتل**

سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت هم به «جوان» گفت: «پس از اینکه پرونده در اختیار تیمی از کارآگاهان زنده پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت، تحقیقات گسترده‌ای در باره این حادثه آغاز و خوشبختانه خیلی زود از این حادثه خبر به ملا و قاتل بازداشت شد.» وی ادامه داد: «به شهروندان توصیه می‌شود برای رفتن به مقصد خود از تاکسی استفاده کنند و سوار خودروهای عبوری نشوند و اگر به هر دلیلی سوار خودروهای عبوری مسافر کش شدند حتماً از پلاک خودرو و چهره راننده عکس و فیلم تهیه و برای اعضای خانواده‌شان ارسال کنند. همچنین چنانچه به مورد مشکوکی برخورد کردند، بلافاصله از طریق شماره ۱۱۰ پلیس را در جریان قرار دهند.»

سردار گودرزی با اعلام اینکه ظهر روز شنبه ۱۷ خردادماه، صحنه قتل از سوی متهم بازسازی می‌شود، ادامه داد: «از آنجایی که احتمال می‌رود متهم جرائم دیگری را هم مرتکب شده باشد، چنانچه باز پرس جنایی تأیید کند، تصویر بدون پوشش وی برای شناسایی شکات احتمالی در فضای مجازی منتشر خواهد شد.»

وی در پایان گفت: «کلیه‌هایی از متهم هنگام دستگیری پخش شده که مأموران برای گرفتن اعتراف از او از شگردها و شیوه‌های خاص خود استفاده می‌کنند تا زودتر به نتیجه برسند. این گفت و شنودها که در فضای مجازی پخش می‌شود شاید از نظر مردم سنگین یا عجیب به نظر برسد، اما اینها شگردهای پلیسی است و اگر این صحبت‌ها با متهم انجام

((آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی))

نظر به دستور مواد (۱و ۳)قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رای ۱۳۹۰/۱۲/۲۰-۱۳۹۰/۱۲/۲۰-۱۳۹۰/۱۲/۲۰ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چسبستان تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضی آقای /خانم رضا جباری فرزند علی نسبت به ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۰/۲۲۲ متر مربع به شماره پلاک ۱۲۲۷۲ فرعی از ۶ فرعی از ۱۲۲ اصلی واقع در قریه کرد آباد بخش ۱۱ ریداربی شده از آقای و خانم یاسر قمری محرز گردیده است ،لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۷روز از طریق این روزنامه و محلی /اسراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الحاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند ،باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الحاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند .مغتری باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و در صورتی که تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد در این صورت اقدامات ثبت منوکل به اداره حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت میبادرت به صدور سند مالکیت منیامند و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۰/۰۳/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۳۹۰/۰۳/۳۱

شماره آگهی:۱۹۳۴۳۹۰۰

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چسبستان – عین اله نیمروری

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای آر یا برزین پور طی وکالت نامه شماره ۰۰۱۶۳۱۵۲۷۷۰۰۱۴۰۳۲۲۱۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

دفتر ۳ تهران از طرف خانم آزاده برزین پور در خواست شماره ۳۱۷۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تقاضای صدور سند مالکیت المثنی مقدار نیم دانگ مشاع از ۶ دانگ مسکونی پلاک ۶۹۷

فرعی از ۲ اصلی واقع بخش ۱۰ واقع در ایژدشهر حوزه ثبتی شهرستان نور با شماره سریال

۵۶۵۱۳۰ که در دفتر ۸۲ صفحه ۱۷۵ ثبت ۱۰۲۴۵ به نام آزاده برزین پور صادر گردید.

اینک به علت نامعلوم مفقود گردیده است از این رو در خواست صدور سند المثنی را دارد

بنابراین در اجرای ماده یک صد و بیست آئین نامه اصلاحی قانون ثبت اسناد تبصره های ذیل

آن مراتب در یک نوبت آگهی می شود، چنانچه هر کسی مدعی انجام معامله نسبت به سند

مذکور و یا مدعی وجود سند مالکیت در نزد خود باشد، ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار

آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت تسلیم و رسید دریافت

نماید بدیهی است، در صورت عدم وصول اعتراض در مدت مقرر اداره ثبت طبق مقررات

نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد.

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۰۳/۱۷

شماره آگهی:۱۹۴۳۶۳۹۰۰

علی سعادتئ- رئیس ثبت اسناد و املاک شهر سنان نور